

مقایسه نحوه گذراندن اوقات فراغت دانش‌آموزان مدارس عادی و استعداد درخشان شهر یزد

مریم کیان^۱

چکیده

دوره نوجوانی و دانش‌آموزی دوره اوج نیازهای اوقات فراغت است. نوجوانان در مقایسه با سایر افراد فرصت‌های بیشتر و مسئولیت‌های کمتری دارند و اوقات فراغت برای آنان زمینه‌ای برای اجتماعی شدن و شکل‌گیری هویت تلقی می‌شود. هدف پژوهش حاضر بررسی و مقایسه نحوه گذراندن اوقات فراغت دانش‌آموزان مدارس عادی و استعداد درخشان شهر یزد است. بدین منظور، از روش پژوهش توصیفی زمینه‌یاب استفاده شده و جامعه پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان پسر پایه سوم دوره متوسطه ناحیه دو شهر یزد به تعداد ۳۴۰ نفر بوده است. بر اساس جدول مورگان، حجم نمونه ۱۸۰ نفر تعیین شد که در دو گروه ۹۰ نفری دانش‌آموزان مدارس عادی و استعداد درخشان به شکل تصادفی طبقه‌ای گزینش شدند. داده‌ها از طریق پرسشنامه جمع‌آوری و برای تحلیل آنها از آمار توصیفی و استنباطی در قالب آزمون t مستقل استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که دانش‌آموزان مدارس عادی اوقات بیشتری را به فعالیت‌های ورزشی، ارتباط با دوستان و همسالان و انجام فعالیت‌های مذهبی اختصاص می‌دهند. از سوی دیگر، دانش‌آموزان استعداد درخشان اوقات بیشتری را برای بودن با خانواده و استفاده از محصولات فرهنگی سپری می‌کنند. اما میزان سرگرمی با کامپیوتر در هر دو گروه یکسان است. یافته‌های پژوهش حاضر بر ضرورت توجه مسئولان، برنامه‌ریزان و والدین را به مسئله برنامه‌ریزی اوقات فراغت برای دوره حساس نوجوانی تأکید می‌کند. در این باره، برنامه‌ریزی‌های اثربخش‌تر به منظور استفاده بهینه از اوقات فراغت در زمینه غنی‌سازی فعالیت‌های ورزشی، ارتباط با دوستان و همسالان و فعالیت‌های مذهبی برای دانش‌آموزان مدارس استعداد درخشان توصیه می‌شود. همچنین اختصاص اوقات بیشتر برای بودن در کنار خانواده و استفاده اثربخش از محصولات فرهنگی برای گروه دانش‌آموزان مدارس عادی پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: اوقات فراغت، دوره تحصیلی متوسطه، مدرسه دولتی، مدرسه استعداد درخشان

۱. استادیار گروه علوم تربیتی و روانشناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه یزد kian2011@yazd.ac.ir

تاریخ دریافت، ۱۳۹۲/۷/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی، ۱۳۹۴/۱/۲۶

مقدمه و بیان مسئله

در دوران معاصر، افزایش سال‌های تحصیلی دورانی نسبتاً طولانی را در زندگی انسان‌ها پدید آورده است که «جوانی» خوانده می‌شود. انسان جدید از کودکی مستقیماً به بزرگسالی قدم نمی‌گذارد بلکه با دوره‌ای در زندگی روبه‌روست که با عدم مسئولیت‌پذیری مترادف است و اوقات فراغت در آن سهم بزرگی یافته است. امروزه یک‌پنجم از جمعیت جهان در رده سنی ۱۵ تا ۲۴ سال قرار دارند که در حدود ۸۵ درصد آن در کشورهای در حال توسعه، با احتساب ۶۰ درصد در آسیا، حضور دارند. بر اساس پژوهش کارشناسان سازمان ملل، در فرهنگ جهانی جوانان مشخص است که جوانان خواستار فرصت کسب استقلال، صلاحیت، و مشارکت در جامعه هستند. در دنیای امروز، نه تنها خانواده و مذهب، بلکه مدرسه، معلمان و رسانه‌ها نیز از عوامل اساسی جامعه‌پذیری نوجوانان و جوانان به شمار می‌آیند. اینترنت نیز نقش مهمی در مرتبط ساختن جوانان با یکدیگر داشته است. امروزه جوانان، بین سنت و مدرنیته قرار گرفته‌اند و این مسئله دغدغه‌هایی درباره فراگیر شدن ارزش‌های غربی، مصرف‌گرایی و تغییر هنجارها در جوانان جهان را در پی داشته است (گزارش سازمان ملل^۱، ۲۰۱۴).

مسئله کیفیت گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان مسئله‌ای بااهمیت در جوامع امروز است. «فراغت»^۲، به معنای بهبودی از خستگی، رهایی از کسالت و آزادی از فعالیت‌های ماشینی روزانه برای افراد است. «اوقات فراغت»^۳ تجلی مجموعه‌ای کاملی از آرزوهای انسان است که در جست‌وجوی نوعی شادی تازه و در ارتباط با وظیفه‌ای نو، اخلاق، سیاست و فرهنگ نو به‌کارگرفته می‌شود. باور کسب هویت شخصی، نیل به تحقق

1. United Nations Report, 2014
2. Leisure
3. Leisure Time

خواسته‌ها، آزادی عمل و احساس «بودن» چنان در فعالیت‌های فراغتی رخنه کرده که ارزش فراغت را بیش از نیاز انسان‌های امروزی به هویت فردی و شغلی جلوه داده است. جوانان ماهیت واقعی خود را در عرصه اوقات فراغت نشان می‌دهند. اوقات فراغت دوره‌ای است که می‌توان سبک‌های مختلف زندگی را در آن تجربه کرد. فعالیت‌های اوقات فراغت، زمینه را برای معاشرت و بودن با همسالان و بزرگترها در محیط بیرون از خانواده فراهم می‌کند. در این زمان است که هویت خود و هویت گروهی افراد تعیین می‌شود (هندری و همکاران^۱، ۱۳۸۳). افزون بر این، اوقات فراغت شامل ساعات بیداری فرد نوجوان و جوان در غیر ساعات مدرسه یا کار است. فعالیت‌های مرتبط با مدرسه نظیر تکالیف درسی منزل، کلاس‌های روزهای تعطیل، و برنامه‌های مدرسه‌ای تابستانی در زمره اوقات اضافی مدرسه و فعالیت‌هایی نظیر کارهای عادی روزانه، امور ضروری خانواده، مراقبت از کودک، اغلب در زمره اوقات اضافی شغلی محسوب می‌شوند (گزارش سازمان ملل^۲، ۲۰۰۳).

آنچه مسلم است این است که اوقات فراغت یکی از موضوعات اصلی و بسیار مهم در عرصه زندگی نوجوانان و جوانان به شمار می‌آید که با رویکرد جهانی شدن و پیدایش دهکده جهانی این مقوله از حالت تشریفاتی به امر حیاتی و ضرورتی اجتناب‌ناپذیر با کارکردهای بسیار مؤثر در حیطه مشارکت‌جویی، تربیت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری تبدیل شده است (کریاسی، ۱۳۸۳). انتخاب‌های مختلفی که در اوقات فراغت روی می‌دهد، آزادی انسان را منعکس می‌سازد. بر این اساس، زندگی انسان فرآیند پویایی است که یکی از مهم‌ترین جنبه‌های آن، اوقات فراغت است. رشد و یادگیری با دیگران و در میان دیگران به وقوع می‌پیوندد. ما به دیگران وابسته‌ایم و دیگران نیز به ما. هدف از زندگی و

1. Hendry et, al
2. United Nation Report 2003

اوقات فراغت به عنوان بخشی از زندگی، ابراز خود نیست، بلکه آفرینش خود است (مومندی، ۱۳۸۰).

انسان‌ها برای رهایی از روزمرگی لازم است تا در فضایی که فرصت تحرک و پویایی دارد به تفریح و سرگرمی‌های سازنده و نشاط‌آور بپردازند. نوجوانی، جوانی و دوره دانش‌آموزی دوره اوج نیازهای اوقات فراغت است. جوانان در مقایسه با سایر افراد وقت آزاد، فرصت‌های بیشتر و شاید مسئولیت‌های کمتری دارند و با اوقات فراغت به عنوان یک زمینه و فرصت اجتماعی شدن و شکل دادن به هویت خویش روبه‌رو می‌شوند. همچنین باید به تنوع فعالیت‌های اوقات فراغت جوانان بر اساس انگیزه و ارزش‌های پذیرفته آنان توجه داشت. در این میان، دانش‌آموزان، به‌ویژه در دوره تحصیلی متوسطه، در ایام تحصیل وقت اضافی چندانی ندارند. اگر وقت خود را درست تنظیم کنند می‌توانند به‌موقع به مطالعه دروس خود پرداخته برای امتحان آماده شوند و از نظر تحصیلی و دروس پیشرفت کنند. با پایان پذیرفتن ایام تحصیل، تابستان شروع می‌شود و عملاً اوقات فراغت دانش‌آموزان پیش می‌آید که نیاز به برنامه‌ریزی دارد (احمدی، ۱۳۸۲). در رفتارهای فراغتی بسته به سن، جنسیت، طبقه اجتماعی و سبک زندگی می‌توان الگوهایی برای فراغت افراد مشاهده کرد. الگوهای فراغتی نامناسب به‌خصوص در قشر جوان می‌تواند آنها را از چهارچوب‌های پذیرفته‌شده در جامعه دور ساخته آسیب‌هایی را در این گروه اجتماعی به وجود آورد (موسوی، ۱۳۹۰). اوقات فراغت با تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه نیز رابطه متقابل دارد و دولت‌ها و نهادهای فرهنگی و مؤسسات مختلف، می‌کوشند تا امکانات لازم را برای گذراندن اوقات فراغت همه طبقات جامعه به‌خصوص جوانان، نوجوانان و قشر دانش‌آموز فراهم کنند تا براساس آن استعدادهای درونی افراد شکوفا شود.

با توجه به اهمیت اوقات فراغت افراد جامعه، به خصوص نوجوانان و جوانان، این پرسش پیش می‌آید که دانش‌آموزان مدارس ایران، به‌ویژه در دوره متوسطه، که دوره حساس بلوغ و بحران نوجوانی است، چگونه اوقات فراغت خود را سپری می‌کنند. در این باره، این پرسش مطرح است که آیا دانش‌آموزان عادی و نخبه، در چگونگی طی کردن اوقات فراغت با یکدیگر تفاوت دارند. دانش‌آموزان در مدارس دولتی و مدارس استعداد درخشان، چه تفاوت‌هایی در نحوه گذراندن اوقات فراغت خود دارند. پژوهش حاضر تلاش دارد این مسئله را در میان دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر یزد بررسی کند.

مبانی نظری پژوهش

امروزه مفهوم اوقات فراغت، با نگرش‌ها و ادراک مردم ارتباط دارد و در بردارنده آزادی مشهود، فطری بودن و همراه با ماهیتی غیرابزاری است که برای فعالیت و تجربه به کار گرفته می‌شود (دومازدیر و همکاران^۱، ۱۹۹۳). اوقات فراغت نوعی آرامش درونی به وجود می‌آورد، و فرد را در اشتغال آزاد قرار می‌دهد و اجازه می‌دهد تا امور ذهنی و روحی در او شکل بگیرد. فراغت، زندگی نسبتاً آزاد از نیروهای اجباری بیرونی موجود در فرهنگ شخص و محیط مادی او است به طوری که او را قادر می‌سازد تا از روی علاقه و انگیزه به شیوه‌هایی که شخصاً خوشایند و ارزشمند است برای آن کاری انجام دهد (گادبی^۲، ۱۹۸۹).

1. Dumazedier et, al
2. Godbey

تولمن و همکاران^۱ (۲۰۰۱) بر این باورند که نوجوانان و جوانان ظرفیت استفاده از اوقات زندگی خودشان را به شکلی دارند که می‌توانند بر جامعه خود تأثیرات شگرفی بگذارند؛ تأثیراتی نظیر:

- **احیا و آبادسازی:** در برخی جوامع، جوانان به دنبال احیای ظرفیت‌های گمشده جامعه خود و بهزیستی هستند. جوانان کشور کامبوج که سال‌ها با زیرساخت‌های نابودشده، فقر بهداشتی، و خیابان‌های پرزباله روبه‌رو بودند، تصمیم گرفتند همسایگان خود را از طریق کلاس‌های آموزشی، برنامه‌های نظافت جمعی و فعالیت‌های سازماندهی‌شده اجتماعی به حل معضلات یادشده وادار کنند.

- **ابداع:** برخی جوانان به ایجاد زیرساخت‌ها و منابع لازم برای کشور خود اقدام کرده‌اند. برای مثال، در کشور نایروبی، جوانان عضو «انجمن ورزشی جوانان ماتاره» زیرساخت بهداشتی برای محله خود طراحی کردند و کامیون‌های جمع‌آوری زباله برای تمیزکردن خیابان‌های محله‌شان را مدیریت می‌کردند.

- **حفظ و نگهداری:** اعضای گروه «انجمن راهنمای جنوب شرقی آلاسکا» برنامه‌ای برای حفظ زیبایی طبیعی محیط زیست منطقه جنوب شرقی آلاسکا انجام دادند. این یکی از اقدامات جوانان است که تلاش می‌کنند فرهنگ، محیط زیست و تاریخ‌شان را زنده نگه دارند.

- **توسعه:** نوجوانان دبیرستان «لوبک» در ایالات متحده، نشان داده‌اند که می‌توانند نقش بسزایی در اشتغال حرفه‌ای در جامعه ایفا کنند، مشاغل کوچک ابداع کرده‌اند، فناوری‌های زیست‌آبی را آزمون کرده‌اند و پژوهش‌های واقعی در زمینه ایجاد شیوه‌های نو در اقتصاد محلی‌شان انجام داده‌اند.

- **تغییر:** اگر جامعه کار خود را درست انجام ندهد، جوانان می‌توانند مسئولیت اصلاح یا بازسازی بخش‌های مختلف را بر عهده بگیرند. در شهر فیلادلفیا در ایالت پنسیلوانیای آمریکا، اعضای «اتحادیه دانش‌آموزان فیلادلفیا» برخی تحولات آموزشی را رقم زده‌اند، با مسئولان و مدیران مدرسه جلساتی گذاشته‌اند و درباره مسائل مختلفی نظیر زیرساخت‌های نظافت و بهداشت مدرسه، ایمنی سالن‌ها، کیفیت کتاب‌های درسی و تدریس معلمان تحولاتی را ایجاد کرده‌اند.

البته اوقات فراغت همیشه در جهت بهبود زندگی اثرگذار نبوده است. امروزه آنچه زندگی در جوامع صنعتی به انسان ارزانی داشته، تحمل وقت‌های ضدفراغتی است؛ یعنی فعالیت‌هایی که بی‌اختیار، به مثابه وسیله‌ای برای رسیدن به هدفی، از روی ناچاری و با الزامات شدید تحمیلی، همراه با اضطراب زیاد، آگاهی از گذر زمان انجام می‌شوند و کمترین حد آزادی فردی که موجب خودشکوفایی در او می‌شود، را میسر می‌سازد (گادبی، ۱۹۸۹). دیدگاه لارسن (۲۰۰۰ و ۲۰۰۲) نشان می‌دهد که چنانچه اوقات فراغت برای نوجوانان و جوانان درست برنامه‌ریزی شود، این افراد می‌توانند به توسعه و رشد در حیطه‌های مختلفی دست یابند؛ از جمله:

- **رشد اجتماعی و هیجانی؛** توانایی پاسخ به و انطباق با موقعیت‌های مثبت و منفی، واکنش درست به هیجانات فردی و رویدادهای پیرامونی، گذران فعال در تفریح و اوقات آزاد، حفظ دوستی و روابط با دیگران.

- **رشد حرفه‌ای (شغلی)؛** کسب مهارت‌های کاربردی و سازمانی لازم برای استخدام، درک درست از موقعیت‌های شغلی و فرصت‌های موجود و راه‌های رسیدن به اهدافی از این نوع.

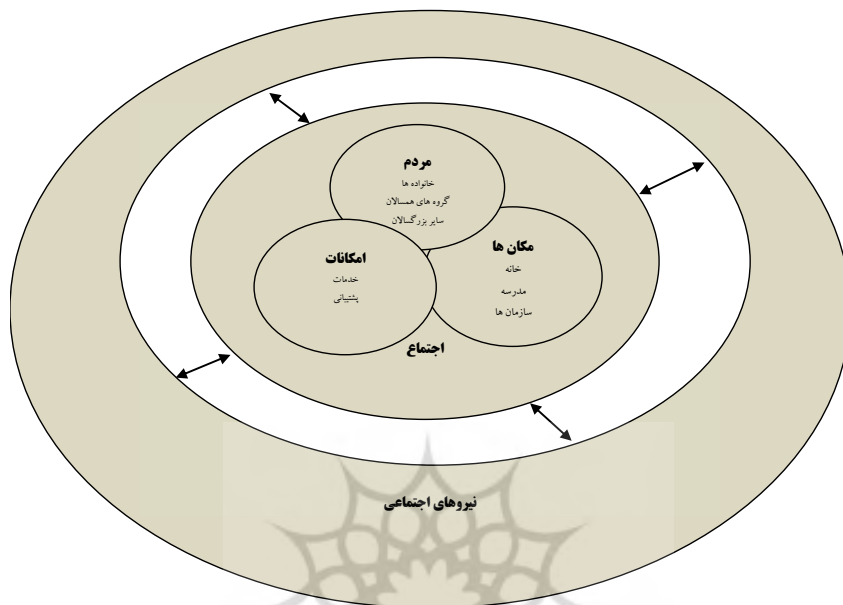
- **رشد جسمی**؛ رشد بیولوژیکی و توانایی برجسته برای عمل به شیوه‌هایی که متضمن سلامت کنونی و آینده خود فرد و همچنین برای دیگران است.

- **رشد شناختی**؛ توانایی کسب دانش‌های پایه، یادگیری در مدرسه و مکان‌های دیگر، به‌کارگیری تفکر انتقادی، حل مسئله، و مهارت‌های خلاق و نوآورانه، و توانایی اجرای پژوهش‌های مستقل.

- **رشد شهروندی**؛ شناسایی مستمر تأثیرات فردی بر پدیده‌های پیرامونی و مسئولیت در قبال دیگران، همراه با توانایی کارکردن مشارکتی با دیگران در جهت هدفی مشترک.

لارسن (۲۰۰۲) بر این باور است که اوقات فراغت فرصتی ماهیتاً رشدآور و ضروری است؛ به طوری که نوجوانان باید آن را به مثابه فرصتی برای آمادگی در جهت زندگی خانوادگی، اشتغال، شهروندی خوب، یادگیری مادام‌العمر و شکوفایی فردی درک کنند. از نظر لارسن، اوقات فراغت حتی زمینه رشد و توسعه اجتماعی و کل جامعه را نیز فراهم می‌کند.

سازمان ملی جوانان (۱۳۸۱) اوقات فراغت را در قالب سه مؤلفه فراغت به مثابه زمان (زمانی که می‌وانیم انتخاب کنیم)، فراغت به عنوان فعالیت (فعالیتی که موجب ابراز وجود و خودشکوفایی فردی می‌شود) و فراغت به عنوان یک تجربه درونی (توجه به وضع روحی، روانی، جهت‌گیری گرایش‌ها و تجربه زیسته) تعریف کرده است. همچنین برخی صاحب‌نظران اوقات فراغت را در زمینه تغییر نقش‌های خانواده، کار، تربیت و جامعه قرار می‌دهند. از این منظر، اوقات فراغت به عنوان عرصه‌ای برای رشد مورد توجه قرار می‌گیرد (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۴).



شکل ۱: اجتماع به مثابه بستری برای اوقات فراغت نوجوانان و جوانان (گزارش سازمان ملل، ۲۰۰۳)

از سوی دیگر، جامعه، مهم‌ترین بستر اثرگذار بر مسئله اوقات فراغت است. در حالی که نیروهایی نظیر خانواده، گروه‌های همسالان، فعالیت‌ها و سازمان‌ها در شکل‌دهی اوقات فراغت نوجوانان و جوانان مؤثر هستند، اجتماع بستری است که در آن تمامی نیروهای ذکرشده شامل مردم، مکان‌ها و امکانات در کنار یکدیگر جمع می‌شوند. افزون بر این، اجتماع بستری است که بر نحوه اثرپذیری اوقات فراغت جوانان از نیروهای بزرگتر اجتماعی مداخله و آن را میانجی‌گری می‌کند (شکل ۱).

پیشینه پژوهش

مطالعات در زمینه الگوهای گذران اوقات فراغت در کشورهای مختلف دنیا نشان می‌دهد که فعالیت‌های تماشای تلویزیون، موسیقی، مطالعه، خرید کردن، استفاده از کامپیوتر و اینترنت، فعالیت‌های ورزشی، رفتن به موزه و سینما، گردش و استراحت از جمله فعالیت‌هایی هستند که جوانان در سراسر دنیا از طریق آنها اوقات فراغتشان را سپری می‌کنند. همچنین این مطالعات نشان می‌دهد که تماشای تلویزیون بیشترین فعالیت بوده که در میان تمامی کشورها به طور مشترک گزارش شده است. در این خصوص، مسلماً می‌توان گفت که تماشای تلویزیون یکی از اصلی‌ترین راه‌های گذران اوقات فراغت در میان جوانان جهان است (گزارش سازمان ملل، ۲۰۰۳). بر اساس مطالعات بین‌المللی، میزان گذران اوقات فراغت در طول یک سال در جهان برابر ۸۰ روز در سال و در ایران ۹۰ روز برآورد شده است. این روند، افزایش ۱۸/۶ درصدی را برای شاخص جهانی نشان می‌دهد (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۳). در این میان، بیشترین الگوی گذران اوقات فراغت برای جوانان جهان را وسایل ارتباط جمعی، موسیقی و ارتباط با گروه دوستان به خود اختصاص داده است. سهم تماشای تلویزیون برای جوانان اروپایی ۸۰ درصد است (مؤسسه گالوپ^۱، ۲۰۰۳). برتری وسایل ارتباط جمعی به عنوان اولین گزینه انتخابی اوقات فراغت در میان جوانان کشورهای آسیایی کمتر از کشورهای اروپایی و آمریکایی است. شاید علت این امر را بتوان در طراحی هدفمند آموزشی برنامه‌های تلویزیونی در کشورهای غربی دانست. بنابراین، می‌توان اذعان داشت که تلویزیون در میان الگوهای گذران اوقات فراغت سهم برجسته‌ای دارد.

از سوی دیگر، مطالعات تطبیقی نشان می‌دهند که در جوامع غیرصنعتی، جوانان معمولاً بیشتر اوقات خود را در خانه سپری می‌کنند. پژوهش لارسن و ورما^۱ (۱۹۹۹) نشان می‌دهد که نوجوانان در کشورهای غیرصنعتی آسیایی تقریباً تمام وقت خود را، جدای از ساعات مدرسه، در خانه سپری می‌کنند. از طرف دیگر، جوانان اروپایی و آمریکایی، به طور معناداری زمان بیشتری را با همسالان خود سپری می‌کنند. همچنین، زمان صرف‌شده «بدون انجام فعالیت مشخص»، پرسه زدن، تفکر و امثال اینها برای جوانان غربی کمتر از جوانان آسیایی است. سهم موسیقی نیز در اوقات فراغت جوانان آسیایی کمتر از هر فعالیت دیگری است. از سوی دیگر، اوقات فراغت فعال (سازماندهی شده و با برنامه) کمتر در میان جوانان آسیایی مشاهده می‌شود. مشارکت جوانان در اوقات فراغت فعال سازمان‌یافته (نظیر فعالیت‌های ورزشی، هنری و امثال اینها) در ایالات متحده و اروپا بیش از آسیا است. جوانان ژاپنی و انگلیسی بیش از سایر کشورها اوقات فراغت خود را به فعالیت‌های فرهنگی اختصاص می‌دهند. در این مطالعه، مشخص شد که بیش از یک‌چهارم از جوانان مورد مطالعه، با یک مؤسسه خیریه کار کرده‌اند، و فعالانه در زمینه امور داوطلبانه برای کمک به اجتماع مشارکت داشته‌اند. نتایج مطالعه بریتانیا نشان می‌دهد که انجام فعالیت‌های خدمات اجتماعی، پس از تمرینات ورزشی موزون، دومین فعالیت است که برای جوانان بریتانیایی لذت‌بخش است. یافته‌ها نشان می‌دهد که جوانان به دنبال راه‌هایی برای مشارکت در اجتماع هستند، و باور دارند که برخلاف تصور عامه مردم از جوانان به عنوان افرادی خودشیفته و دارای تحرک کم اجتماعی، این نسل درصدد نیست که خود را از اجتماع دور کند، بلکه متقابلاً به دنبال راه‌های جدیدی برای ارتباط با مردم و مسائل پیرامون آنهاست (گزارش سازمان ملل، ۲۰۰۳).

سابورین و ایروین^۱ (۲۰۰۸) در پژوهش دیگری به بررسی تأثیرات اجتماعی گذران اوقات فراغت در قالب فعالیت‌های ورزشی میان نوجوانان پرداختند. نتایج نشان داد عادت انجام فعالیت‌های ورزشی در برنامه اوقات فراغت، مانند دیگر فعالیت‌های مربوط به سلامتی، در اواخر دوران کودکی و اوایل دوران جوانی شکل می‌گیرد. در میان فاکتورهایی که بر ورزش نوجوانان مؤثر است، نقش والدین و دیگر اعضای شبکه اجتماعی، دوستان و همکلاسی‌ها اهمیت دارد. همچنین پژوهش فار^۲ (۲۰۰۸) در بررسی تأثیرات وسایل بصری بر فعالیت‌های فراغت نوجوانان نشان داد که استفاده از نمایش فیلم در اوقات فراغت، برای کاهش رفتارهای ناصحیح، بهبود انتخاب‌ها و افزایش سطوح استقلال در زمان اوقات فراغت نوجوانان بسیار مفید خواهد بود. همچنین بررسی گذران اوقات آزاد نوجوانان نشان می‌دهد که امروزه بسیاری از نوجوانان و جوانان به فعالیت‌های اینترنتی مشغول‌اند و برای گذران اوقات خود از روابط و مناسبات اینترنتی استفاده می‌کنند (هیلبرمن^۳، ۲۰۰۹).

مطالعات در ایران نیز نشان می‌دهد که از میان رسانه‌های مختلف (تلویزیون، ماهواره، اینترنت، رادیو، روزنامه و مجله)، گرایش به تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای بیشترین تأثیر را بر میزان همبستگی ملی جوانان و دلبستگی آنها به هویت ایرانی، گذارده است. دومین رسانه تأثیرگذار بر میزان همبستگی ملی و دلبستگی به هویت ایرانی جوانان، میزان تماشای شبکه‌های ملی تلویزیون ایران است (وحیدا و همکاران، ۱۳۹۱). همچنین پژوهش‌ها مشخص کرده‌اند که بخش اعظمی از جوانان ایرانی (۷۱ درصد) از سازمان‌های متولی اوقات فراغت بی‌اطلاع‌اند، و آنها را نمی‌شناسند. این افراد بر این باورند که در تدوین برنامه‌های اوقات فراغت به خواسته‌ها و تقاضاهای آنها چندان توجهی نمی‌شود.

1. Sabourin & Irwin
2. Farr
3. Hilberman

بیش از ۶۲ درصد از جوانان ایرانی اوقات فراغت خود را درون خانه و در تنهایی و به صورت فردی سپری می‌کنند (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۴).

همچنین پژوهش‌های دیگری در ارتباط با گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان ایرانی انجام شده است؛ از جمله، رضایی صوفی (۱۳۸۵) در بررسی وضعیت گذرانندن اوقات فراغت دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان رشت نشان داد که بین میزان رضایت و ناراضایتی دانش‌آموزان از نحوه گذرانندن اوقات فراغت خود با وجود یا نبود امکانات ورزشی و نیز بین امکانات ورزشی موجود و سپری شدن اوقات فراغت دانش‌آموزان به صورت همنشینی دوستان و قدم زدن در خیابان و پارک‌ها رابطه معنی‌دار وجود دارد. مطالعه پهلوان و برزیگر (۱۳۹۰) در بررسی گرایش به نحوه گذرانندن اوقات فراغت در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان آمل مشخص کرد که تحصیلات والدین، مشارکت اجتماعی، وضعیت اقتصادی خانواده، رشد تکنولوژی و همسالان، نقش و رابطه معناداری با تمایل دانش‌آموز به شرکت در فعالیت‌های اوقات فراغت دارد. همچنین دختران به انواع فراغت‌ها از جمله ورزش، سینما، پارک، کافی شاپ و قدم زدن در خیابان تمایل دارند.

از سوی دیگر، پژوهش خواجه نوری و مقدس (۱۳۸۷) در زمینه بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر گذرانندن اوقات فراغت دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان آباد، مشخص کرد که متغیرهای استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، دلبستگی به دوستان، مذهبی بودن و دلبستگی به مدرسه، ۳۶/۱ درصد تغییرات را در میزان اوقات فراغت دانش‌آموزان تبیین می‌کند. همچنین در پژوهشی دیگر در خصوص نحوه گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان تهران و تأثیر آن بر وضعیت تحصیلی ایشان (اصغری، ۱۳۸۵) مشخص شد بین متغیرهای مستقل (گذاران اوقات فراغت) ورزش و کامپیوتر و کتب

غیردرسی با متغیر وابسته پیشرفت تحصیلی رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین گذران اوقات فراغت از طریق وسایل ارتباط جمعی و برنامه‌های تفریحی و کارهای هنری با پیشرفت تحصیلی رابطه معنی‌دار دیده می‌شود. پژوهش بشیر و افراسیابی (۱۳۹۱) نیز نشان داد که نوجوانان و جوانان ایرانی عضویت در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی را به عنوان یک سرگرمی انتخاب می‌کنند و عضویت در این شبکه‌ها، تا حد زیادی بر سبک زندگی آنان تأثیر گذارده است. این پژوهش بیان می‌کند که برای غنی‌سازی اوقات فراغت نوجوانان و جوانان ایرانی بهتر است شبکه‌های اینترنتی با محوریت سلامت روان، دانش‌افزایی، کاربایی، اطلاع‌رسانی و سرگرمی‌های مفید، دینی و بومی برای جامعه ایران طراحی و مدیریت شوند.

شبکه‌های اینترنتی با ارضای همزمان نیازهای عقلی، منطقی و عاطفی جوانان و نوجوانان، این گروه سنی را به سمت خود جذب می‌کنند و طراحان آن برای انتقال مفاهیم فرهنگی و اجتماعی در قالب‌های نرم و پنهان، از این شبکه‌ها نهایت استفاده را می‌برند (نجفی سولاری، ۱۳۸۹).

همچنین مطالعه آلمال (۱۳۹۰) درباره سیمای هویت اجتماعی جوانان ایرانی، نشان داد که خانواده، گروه همسالان، مدرسه و آموزش به ترتیب از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر جامعه‌پذیری و شکل‌گیری هویت اجتماعی نوجوانان و جوانان ایرانی است. در این میان، آموزش‌های غیررسمی، در اوقات فراغت افراد، عامل تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری هویت اجتماعی نوجوانان و جوانان محسوب می‌شود. یافته‌های این پژوهش مشخص کرد که هر چه میزان اوقات فراغت بدون برنامه نوجوانان و جوانان بیشتر باشد، هویت اجتماعی آنها ضعیف‌تر شکل می‌گیرد. یافته‌های استنباطی این پژوهش تأکید کرد که مشارکت اجتماعی خانواده و آموزش‌های غیررسمی در دوران اوقات فراغت، بیشترین تأثیر مستقیم را بر

شکل‌گیری هویت اجتماعی نوجوانان و جوانان رده سنی ۱۵ تا ۲۹ ساله ایرانی دارد. تأیید اهمیت مشارکت اجتماعی در پژوهش مذکور، بیانگر اهمیت انکارناپذیر مشارکت خانواده در عرصه‌های اجتماعی است که منجر به شکل‌گیری هویت اجتماعی جوانان می‌شود و می‌تواند محور برنامه‌ریزی‌های فرهنگی قرار گیرد. بنابراین، برنامه‌ریزی برای غنی‌سازی کمی و کیفی اوقات فراغت، نیازمند دقت و احتیاط بیشتر است و این موضوع به عنوان بخش مهمی از سبک زندگی نوجوانان و جوانان ایرانی، باید مورد توجه و بازنگری جدی قرار گیرد.

در مجموع می‌توان گفت که جوانان دارای دیدگاه مثبت و برنامه‌ریزی نسبت به اوقات فراغت، از سلامت بیشتری برخوردارند و کمتر به رفتارهای پرخطری نظیر سیگار کشیدن، مصرف مواد مخدر و امثال اینها روی می‌آورند (هندری و همکاران، ۱۳۸۳). علاوه بر عواملی نظیر طبقه اجتماعی-فرهنگی افراد، شکل‌گیری شخصیت و سبک زندگی فردی، مرحله‌ای حساس را در نوجوانی طی می‌کند و چیستی و چگونگی آن، پیوند عمیقی با مسیرهای آموزشی و فرصت‌های هدفمند برنامه‌ریزی‌شده زندگی افراد دارد. اگر اوقات فراغت به‌درستی برنامه‌ریزی شود، احساس رضایت و خرسندی از یک طرف باعث تعدیل عواطف و در نتیجه پیشگیری از جذب افراد و خصوصاً نوجوانان و جوانان جامعه در فعالیت‌های مضر می‌گردد. همچنین استفاده بهینه از اوقات فراغت از نظر تربیتی بسیار مهم است؛ زیرا پرورش عواطفی از قبیل نوع دوستی، ایثار، گذشت، درستکاری و خدمت به هم‌نوع و به طور کلی ارزش‌های والای انسانی، در نوجوانی شکل می‌گیرد. گذران اوقات فراغت و برنامه‌های مطلوب فراغتی، نقش مهمی در تعلیم و تربیت افراد جامعه دارد و از بروز مشکلات فردی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی نیز جلوگیری می‌کند.

هدف پژوهش

هدف پژوهش حاضر، بررسی و مقایسه نحوه گذراندن اوقات فراغت در میان دانش‌آموزان پسر پایه سوم متوسطه مدارس عادی و استعداد درخشان شهر یزد بوده است. در این باره شش فرضیه، به شکل ذیل، بررسی شد:

فرضیه‌های پژوهش

۱. گذراندن اوقات فراغت از جنبه «در کنار خانواده بودن» در میان دانش‌آموزان پسر پایه سوم متوسطه مدارس عادی و استعداد درخشان متفاوت است.
۲. گذراندن اوقات فراغت از جنبه «انجام فعالیت‌های ورزشی» در میان دانش‌آموزان پسر پایه سوم متوسطه مدارس عادی و استعداد درخشان متفاوت است.
۳. گذراندن اوقات فراغت از جنبه «سرگرمی با کامپیوتر» در میان دانش‌آموزان پسر پایه سوم متوسطه مدارس عادی و استعداد درخشان متفاوت است.
۴. گذراندن اوقات فراغت از جنبه «ارتباط با دوستان و گروه همسالان» در میان دانش‌آموزان پسر پایه سوم متوسطه مدارس عادی و استعداد درخشان متفاوت است.
۵. گذراندن اوقات فراغت از جنبه «میزان استفاده از محصولات فرهنگی» در میان دانش‌آموزان پسر پایه سوم متوسطه مدارس عادی و استعداد درخشان متفاوت است.
۶. گذراندن اوقات فراغت از جنبه «انجام فعالیت‌های مذهبی» در میان دانش‌آموزان پسر پایه سوم متوسطه مدارس عادی و استعداد درخشان متفاوت است.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی و زمینه‌یابی بوده و جامعه آماری را تمامی دانش‌آموزان پسر پایه سوم متوسطه ناحیه دو شهر یزد در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ به تعداد

۳۴۰ نفر تشکیل داده است. بر اساس جدول تعیین حجم نمونه مورگان (نادری و نراقی، ۱۳۹۰)، نمونه برابر با ۱۸۰ نفر تعیین شد. این تعداد با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای به دو گروه ۹۰ نفری دانش‌آموزان عادی و ۹۰ نفری دانش‌آموزان استعداد درخشان تفکیک شدند. مشخصات نمونه در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱: مشخصات نمونه پژوهش

ردیف	نوع مدرسه	ردیف	رشته تحصیلی	تعداد نمونه
۱	دانش‌آموزان مدارس استعداد درخشان	۱	علوم انسانی	۳۰ نفر
		۲	علوم تجربی	۳۰ نفر
		۳	ریاضی فیزیک	۳۰ نفر
		جمع کل		۹۰ نفر
۲	دانش‌آموزان مدارس عادی	۱	علوم انسانی	۳۰ نفر
		۲	علوم تجربی	۳۰ نفر
		۳	ریاضی فیزیک	۳۰ نفر
		جمع کل		۹۰ نفر

ابزار پژوهش شامل پرسشنامه «اوقات فراغت و هویت» (ابراهیمی و بهنوئی گدنه، ۱۳۸۸) بود. این پرسشنامه ابعاد گذران اوقات فراغت را از جنبه‌های فعالیت‌های مذهبی (۶ سؤال)، مصرف محصولات فرهنگی (۸ سؤال)، سرگرمی با کامپیوتر (۳ سؤال)، فعالیت‌های ورزشی (۴ سؤال)، بودن با دوستان و گروه همسالان (۹ سؤال)، بودن با خانواده (۵ سؤال) شناسایی می‌کند. برای به دست آوردن روایی پرسشنامه علاوه بر روش محتوایی، از اعتبار سازه‌ای و نظر متخصصان و استادان صاحب‌نظر در پژوهش ابراهیمی و بهنوئی گدنه (۱۳۸۸) نیز استفاده شد. بدین صورت که نظر استادان صاحب‌نظر در زمینه موضوع اوقات

فراغت دانش‌آموزان سؤال گردید. برای به دست آوردن پایایی، ابزار پرسشنامه در نمونه‌ای به حجم ۳۵ نفر از نوجوانان به تفکیک جنسیت اجرا شد که نتایج ضریب آلفای ۰/۸۱ را نشان داد (ابراهیمی و بهنویی گدنه، ۱۳۸۸).

تجزیه و تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر، با روش‌های آمار توصیفی (معیارهای تمرکز، معیارهای پراکندگی و فراوانی) و آمار استنباطی در قالب آزمون t انجام شد. داده‌ها در نرم‌افزار آماری SPSS تحلیل شدند.

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول: گذراندن اوقات فراغت از جنبه «در کنار خانواده بودن» در میان دانش‌آموزان پسر پایه سوم متوسطه مدارس عادی و استعداد درخشان متفاوت است.

جدول ۲: میانگین و انحراف استاندارد شاخص

«بودن با خانواده»

شاخص	نوع مدرسه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای معیار میانگین
بودن با خانواده	استعداد درخشان	۹۰	۱۴/۶۲۷	۳/۲۷۳	۰/۴۵۸
	عادی	۹۰	۱۳/۳۳۳	۳/۲۰۸	۰/۳۳۸

جدول ۳: آزمون t برای شاخص «بودن با خانواده»

برابری میانگین ها								
F	Sig.	t	df	سطح معناداری	اختلاف میانگین ها	اختلاف خطای استاندارد	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
							حد بالا	حد پایین
۰/۰۰۲	۰/۹۶۶	۲/۲۸۵	۱۳۹	۰/۰۲۶	۱/۲۹۴	۰/۵۶۶	۰/۱۷۴	۲/۴۱۴
		۲/۲۷۲	۱۰۲/۲۱	۰/۰۲۷	۱/۲۹۴	۰/۵۶۹	۰/۱۶۴	۲/۴۲۴

میانگین میزان در کنار خانواده بودن برای دانش آموزان استعداد درخشان ۱۴/۶۲ و برای دانش آموزان پسر مدارس عادی ۱۳/۳۳ است. جهت تأیید یا رد فرضیه، آزمون t دو جامعه مستقل انجام گرفت و همچنین فرض برابری واریانس ها آزمون شد. مقدار آماره عدد ۰/۰۰۲ و Sig برابر ۰/۹۶۶ به دست آمد که بیشتر از مقدار آلفا (۰/۰۵) است. برای فرضیه فوق از آماره ۲/۲۸۵ با ۱۳۹ درجه آزادی استفاده شد که مقدار Sig برابر ۰/۰۲۶ به دست آمد که بیشتر از ۰/۰۲۵ است. می توان گفت که دانش آموزان پسر مدارس عادی و استعداد درخشان از نظر میزان در کنار خانواده بودن در ساعات اوقات فراغت تفاوت جزئی با یکدیگر دارند.

فرضیه دوم: گذراندن اوقات فراغت از جنبه «انجام فعالیت های ورزشی» در میان دانش آموزان پسر پایه سوم متوسطه مدارس عادی و استعداد درخشان متفاوت است.

جدول ۴: میانگین و انحراف استاندارد شاخص «فعالیت‌های ورزشی»

شاخص	نوع مدرسه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای معیار میانگین
فعالیت‌های ورزشی	استعداد درخشان	۹۰	۱۰/۰۹	۳/۵۵	۰/۴۹۷
	عادی	۹۰	۱۱/۱۱	۲/۸۸	۰/۳۰۴

جدول ۵: آزمون t برای شاخص «فعالیت‌های ورزشی»

برابری میانگین‌ها								
F	Sig.	t	df	سطح معناداری دو دامنه	اختلاف میانگین‌ها	اختلاف خطای استاندارد	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
							حد بالا	حد پایین
۲/۰۰	۰/۱۶۰	-۱/۸۴	۱۳۹	۰/۰۶۸	-۱/۰۱۳	۰/۵۵۰	-۲/۱۰۱	۰/۰۷۵
		-۱/۷۳	۸۷/۵۲	۰/۰۸۶	-۱/۰۱۳	۰/۵۸۲	-۲/۱۷۱	۰/۱۴۵

پرتال جامع علوم انسانی

میانگین انجام فعالیت‌های ورزشی برای دانش‌آموزان استعداد درخشان ۱۰/۰۹ و برای دانش‌آموزان پسر مدارس عادی ۱۱/۱۱ است. جهت تأیید یا رد فرضیه، آزمون t دو جامعه مستقل انجام گرفت و همچنین فرض برابری واریانس‌ها آزمون شد. مقدار آماره ۲/۰۰ و sig برابر ۰/۱۶۰ شد که بیشتر از مقدار آلفا (۰/۰۵) است. برای فرضیه فوق از آماره ۱-۱/۸۴۰ با ۱۳۹ درجه آزادی استفاده شد که مقدار sig برابر ۰/۰۶۸ به دست آمد که بیشتر از ۰/۰۲۵ است. در نتیجه می‌توان گفت که دانش‌آموزان پسر مدارس عادی و استعداد درخشان از نظر میزان انجام فعالیت‌های ورزشی در ساعات اوقات فراغت، تا حدودی با هم متفاوت‌اند.

فرضیه سوم: گذارندن اوقات فراغت از جنبه «سرگرمی با کامپیوتر» در میان دانش‌آموزان پسر پایه سوم متوسطه مدارس عادی و استعداد درخشان متفاوت است.

جدول ۶: میانگین و انحراف استاندارد شاخص «سرگرمی با کامپیوتر»

شاخص	نوع مدرسه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای معیار میانگین
سرگرمی با کامپیوتر	استعداد درخشان	۹۰	۶/۹۲۱	۲/۹۰۴	۰/۴۰۶
	عادی	۹۰	۶/۹۶۶	۳/۲۲۳	۰/۳۳۹

جدول ۷: آزمون t برای شاخص «سرگرمی با کامپیوتر»

برابری میانگین‌ها								
F	Sig.	t	df	سطح معناداری دو دامنه	اختلاف میانگین‌ها	اختلاف خطای استاندارد	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
							حد بالا	حد پایین
۰/۰۴۰	۰/۸۴۲	-/۰۸۳	۱۳۹	۰/۹۳۴	-/۰۴۵	۰/۵۴۵	-۱/۱۲۳	۱/۰۳۳
		-/۰۸۵	۱۱۳/۱۹	۰/۹۳۲	-/۰۴۵	۰/۵۲۹	-۱/۰۹۴	۱/۰۰۴

میانگین استفاده از شاخص کامپیوتر، برای دانش‌آموزان استعداد درخشان ۶/۹۲ و برای دانش‌آموزان پسر مدارس عادی ۶/۹۶۶ است که در ظاهر نشان‌دهنده اختلاف کم دو میانگین و تقریباً مساوی بودن میانگین شاخص استفاده از کامپیوتر در میان دانش‌آموزان مدارس عادی و استعداد درخشان است. جهت تأیید یا رد فرضیه، آزمون t دو جامعه مستقل انجام گرفت و همچنین فرض برابری واریانس‌ها آزمون شد. مقدار آماره برابر ۰/۰۴۰ و Sig برابر ۰/۸۴۲ به دست آمد که بیشتر از مقدار آلفا (۰/۰۵) است؛ در نتیجه برای فرضیه فوق از آماره -/۰۸۳ با ۱۳۹ درجه آزادی استفاده می‌کنیم که مقدار Sig برابر ۰/۹۳۴ شده است که بیشتر از ۰/۰۲۵ است. می‌توان گفت که دانش‌آموزان پسر مدارس عادی و استعداد درخشان از نظر میزان استفاده از کامپیوتر در ساعات اوقات فراغت با هم برابرنند.

فرضیه چهارم: گذاردن اوقات فراغت از جنبه «ارتباط با دوستان و گروه همسالان» در میان دانش‌آموزان پسر پایه سوم متوسطه مدارس عادی و استعداد درخشان متفاوت است.

جدول ۸: میانگین و انحراف استاندارد شاخص «ارتباط با دوستان و گروه همسالان»

خطای معیار میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	نوع مدرسه	شاخص
۱/۱۵۷	۸/۲۶۶	۲۰/۵۴۹	۹۰	استعداد درخشان	ارتباط با دوستان و گروه همسالان
۰/۸۲۲	۸/۳۶۸	۲۲/۰۸۸	۹۰	عادی	

جدول ۹: آزمون t برای شاخص «ارتباط با دوستان و گروه همسالان»

برابری میانگین‌ها								
F	Sig.	t	df	سطح معناداری دو دامنه	اختلاف میانگین‌ها	اختلاف خطای استاندارد	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
							حد بالا	حد پایین
۰/۱۲۹	۰/۷۲۰	-۱/۰۵	۱۳۹	۰/۲۹۴	-۱/۵۳۹	۱/۴۶۰	-۴/۴۲۷	۱/۳۴۷
		-۱/۰۵	۱۰۵/۰۴	۰/۲۹۲	-۱/۵۳۹	۱/۴۵۵	-۴/۴۲۵	۱/۳۴۵

میانگین میزان ارتباط با دوستان و گروه همسالان برای دانش‌آموزان استعداد درخشان ۲۰/۵۴ و برای دانش‌آموزان پسر مدارس عادی ۲۲/۰۸ می‌باشد که در ظاهر نشان دهنده

بیشتر بودن میانگین میزان ارتباط با دوستان و گروه همسالان در میان دانش‌آموزان مدارس عادی است. جهت تایید یا رد فرضیه آزمون t دو جامعه مستقل انجام شد. مقدار آماره برابر ۰/۱۲۹ و Sig برابر ۰/۷۲۰ شد که بیشتر از مقدار آلفا (۰/۰۵) است. در نتیجه برای فرضیه فوق از آماره ۱/۰۵۴- با ۱۳۹ درجه آزادی استفاده شد و مقدار Sig برابر ۰/۲۹۴ به دست آمد که بیشتر از ۰/۰۲۵ است. می‌توان گفت دانش‌آموزان پسر مدارس عادی از نظر میزان ارتباط با دوستان و گروه همسالان در ساعات اوقات فراغت در مقایسه با دانش‌آموزان استعداد درخشان، قوی‌تر عمل می‌کنند.

فرضیه پنجم: گذراندن اوقات فراغت از جنبه «میزان استفاده از محصولات فرهنگی» در میان دانش‌آموزان پسر پایه سوم متوسطه مدارس عادی و استعداد درخشان متفاوت است.

جدول ۱۰: میانگین و انحراف استاندارد شاخص «استفاده از محصولات فرهنگی»

شاخص	نوع مدرسه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای معیار میانگین
استفاده از محصولات فرهنگی	استعداد درخشان	۹۰	۲۳/۰۵۸	۴/۹۶۱	۰/۶۹۴
	عادی	۹۰	۲۲/۹۶۶	۴/۲۱۹	۰/۴۴۴

جدول ۱۱: آزمون t برای شاخص «استفاده از محصولات فرهنگی»

برابری میانگین ها								
F	Sig.	t	df	سطح معناداری دو دامنه	اختلاف میانگین ها	اختلاف خطای استاندارد	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
							حد پایین	حد بالا
۰/۶۳۲	۰/۴۲۸	۰/۱۱۷	۱۳۹	۰/۹۰۷	۰/۰۹۲	۰/۷۸۸	-۱/۴۶۷	۱/۶۵۱
		۰/۱۱۲	۹۰/۸۲۱	۰/۹۱۱	۰/۰۹۲	۰/۸۲۴	-۱/۵۴۶	۱/۷۳۰

میانگین شاخص استفاده از محصولات فرهنگی برای دانش‌آموزان استعداد درخشان ۲۳/۰۵۸ و برای دانش‌آموزان پسر مدارس عادی ۲۲/۹۶۶ است که در ظاهر نشان‌دهنده اختلاف کم دو میانگین و تقریباً مساوی بودن میانگین شاخص استفاده از محصولات فرهنگی در میان دانش‌آموزان پسر پایه سوم متوسطه مدارس عادی و استعداد درخشان است. جهت تأیید یا رد فرضیه آزمون t دو جامعه مستقل انجام و فرض برابری واریانس‌ها آزمون شد. مقدار آماره برابر ۰/۶۳۲ و Sig برابر ۰/۴۲۸ به دست آمد که بیشتر از مقدار آلفا (۰/۰۵) است. برای فرضیه فوق از آماره ۲/۰۵۸- با ۱۳۹ درجه آزادی استفاده و مقدار Sig برابر ۰/۹۰۷ شد که این رقم بیشتر از ۰/۰۲۵ است. در نتیجه می‌توان گفت که دانش‌آموزان پسر مدارس استعداد درخشان از نظر میزان استفاده از محصولات فرهنگی در ساعات اوقات فراغت کمی بهتر از دانش‌آموزان مدارس عادی عمل می‌کنند.

فرضیه ششم: گذراندن اوقات فراغت از جنبه «انجام فعالیت‌های مذهبی» در میان دانش‌آموزان پسر پایه سوم متوسطه مدارس عادی و استعداد درخشان متفاوت است.

جدول ۱۲: میانگین و انحراف استاندارد شاخص «انجام فعالیت‌های مذهبی»

شاخص	نوع مدرسه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای معیار میانگین
انجام فعالیت‌های مذهبی	استعداد درخشان	۹۰	۱۳/۹۴۱	۳/۹۷۶	۰/۵۵۶
	عادی	۹۰	۱۵/۵۴۴	۴/۶۸۶	۰/۴۹۳

جدول ۱۳: آزمون t برای شاخص «انجام فعالیت‌های مذهبی»

برابری میانگین‌ها								
F	Sig.	t	df	سطح معناداری دو دامنه	اختلاف میانگین‌ها	اختلاف خطای استاندارد	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
							حد بالا	حد پایین
۰/۴۵۸	۰/۵۰۰	-۲/۰۵۸	۱۳۹	۰/۰۴۱	-۱/۶۰۳	۰/۷۷۸	-۳/۱۴۳	-۰/۰۶۳
		-۲/۱۵۴					۱۱۸/۴۳	۰/۰۳۳

میانگین شاخص انجام فعالیت‌های مذهبی برای دانش‌آموزان پسر سوم متوسطه استعداد درخشان ۱۳/۹۴۱ و برای دانش‌آموزان پسر سوم متوسطه مدارس عادی ۱۵/۵۴۴

است. جهت تأیید یا رد فرضیه آزمون t دو جامعه مستقل انجام و فرض برابری واریانس‌ها آزمون شد. مقدار آماره برابر $0/458$ و sig برابر $0/500$ به دست آمد که بیشتر از مقدار آلفا ($0/05$) است. برای فرضیه فوق از آماره $2/058$ - با 139 درجه آزادی استفاده گردید و مقدار sig برابر $0/041$ شد. پس می‌توان گفت که دانش‌آموزان پسر مدارس عادی از نظر میزان انجام فعالیت‌های مذهبی در ساعات اوقات فراغت، در مقایسه با دانش‌آموزان مدارس استعداد درخشان، کمی بهتر عمل می‌کنند.

بحث و تحلیل

دوران نوجوانی و جوانی دورانی بااهمیت در گذار از کودکی به بزرگسالی است. احساس توانایی و شکل‌گیری خودپنداره مثبت و هویت شخصی آینده نوجوانان، به میزان پذیرش انتظارات، پردازش انتظارات، و وارد کردن آنها به درون سبک زندگی آنها در این مرحله از رشد بستگی دارد (هندری و همکاران، ۱۳۸۳). شناخت نوجوانان و جوانان و علایق فراغتی آنها مسئله‌ای مهم در زمینه‌سازی سلامت جسم و روان این قشر مهم از هر جامعه‌ای است. نوجوانان در طی دوران دانش‌آموزی و در پایان آن با گذار از مدرسه به جامعه بزرگسالی مواجه می‌شوند.

گزارش سازمان ملل (۲۰۰۳) ویژگی‌های موقعیت‌های رشد مثبت برای نوجوانان و جوانان را شامل ایمنی جسمی و روانی، ساختار مناسب، روابط پشتیبان، فرصت‌های تعلق، هنجارهای مثبت اجتماعی، پشتیبانی کارآمدی، فرصت‌های مهارت‌آموزی و تلفیق تلاش‌های خانواده، مدرسه و جامعه معرفی می‌کند. بوردیو (۱۳۹۰) استدلال می‌کند که تمایزهای اجتماعی را می‌توان در مجموعه متنوعی از اعمال اجتماعی مشاهده کرد؛ از جمله اعمالی که به طور سنتی مربوط به فراغت می‌شوند مثل تعطیلات، ورزش، مطالعه،

موسیقی، سینما و سایر ذوق و قریحه‌ها. به عقیده بورديو، این زمینه‌ها را می‌توان به لحاظ میزان سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی و نقشه اجتماعی و فرهنگی کسانی که در آنها جای دارند بررسی و به این ترتیب نقشه اجتماعی و فرهنگی و موقعیت اجتماعی و خط سیر اجتماعی آنها را در جامعه ترسیم کرد. همچنین نظریه‌پردازان مسائل اجتماعی نوجوانان بر این باورند که وضعیت اشتغال نوجوانان و جوانان رابطه مستقیم و آشکاری با طبقه اجتماعی اولیه آنان دارد و در این میان، زمینه طبقه اجتماعی، با مسیرهای آموزشی و موقعیت‌های تدارک دیده‌شده خوب زندگی، پیوند محکمی دارد. خانواده نیز در تأثیرگذاری بر تکامل و شکل‌گیری شیوه زندگی نوجوانان و جوانان بسیار اهمیت دارد. از سوی دیگر، گروه‌های همسالان نیز از طریق ایجاد بافت‌های اجتماعی، در شکل‌دهی رفتار روزمره نوجوانان بسیار موثر هستند (هندری و همکاران، ۱۳۸۳).

مطالعه طولی ملی درباره جوانان نشان داده است که دانش‌آموزانی که برای اوقات فراغت خود برنامه‌ای نداشته‌اند، در مقایسه با دانش‌آموزانی که برنامه‌های غنی فراوانی را گذرانده بودند، ۵۷ درصد بیشتر دچار افت تحصیلی تا قبل از پایه دوازده دوره متوسطه شدند (ایکلس و باربر^۱، ۱۹۹۹). همچنین پژوهش‌های کلارک^۲ (۱۹۸۸) نشان داد که نوجوانان ضعیفی که از مدارس ضعیف آمده بودند و در فعالیت‌های یادگیری ساختن گرایانه در طول ساعات آزاد هفته شرکت کرده بودند، در مقایسه با دانش‌آموزانی که در این فعالیت‌ها شرکت نکردند، نمره‌های بهتری را کسب کردند. همچنین مطالعات نشان می‌دهد که مسائلی نظیر یکنواختی محیط آموزشی، تمرکز بر حفظیات و بی‌توجهی به یادگیری سطوح بالاتر، امکان پرورش نشاط و نوآوری را تضعیف می‌کند (کیان، ۱۳۹۳). در مجموع، مطالعه حاضر مشخص کرد با وجودی که دو گروه دانش‌آموزان عادی

1. Eccles & Barber
2. Clark

و استعداد درخشان از نظر کلیات نحوه گذران اوقات فراغت تفاوت برجسته‌ای نداشتند، اما از برخی ابعاد تفاوت‌های ظریفی مشاهده شد. نتایج پژوهش حاضر هماهنگ با پژوهش‌هایی است که نشان می‌دهد دانش‌آموزان دبیرستانی اوقات فراغت خود را بیشتر در گروه‌های دوستان و همسالان، انجام فعالیت‌های ورزشی و سرگرمی با کامپیوتر سپری می‌کنند (سابورین و ایروین، ۲۰۰۸؛ رضایی صوفی، ۱۳۸۵؛ خواجه نوری و مقدس، ۱۳۸۷؛ اصغری، ۱۳۸۵). در این خصوص، دانش‌آموزان مدارس عادی اوقات بیشتری را به فعالیت‌های ورزشی، ارتباط با دوستان و همسالان و انجام فعالیت‌های مذهبی اختصاص می‌دادند. از سوی دیگر، دانش‌آموزان استعداد درخشان اوقات بیشتری را برای بودن با خانواده، و استفاده از محصولات فرهنگی سپری می‌کردند، اما میزان سرگرمی با کامپیوتر در هر دو گروه یکسان بود. یافته‌های پژوهش حاضر بر ضرورت توجه مسئولان، برنامه‌ریزان و والدین را به مسئله برنامه‌ریزی اوقات فراغت برای دوره حساس نوجوانی تأکید کرد.

نتیجه‌گیری

نوجوانی و جوانی دوره اوج نیازهای اوقات فراغت است. نوجوانان در مقایسه با سایر افراد وقت آزاد، فرصت‌های بیشتر و شاید مسئولیت‌های کمتری دارند و با اوقات فراغت به عنوان یک زمینه و فرصت اجتماعی شدن و شکل دادن به هویت خویش روبه‌رو می‌شوند. در این باره، توجه به تنوع فعالیت‌های اوقات فراغت نوجوانان بر اساس انگیزه و ارزش‌های پذیرفته آنان ضروری است.

با توجه به اهمیت اوقات فراغت افراد جامعه به‌خصوص برای نوجوانان و جوانان و از آن جا که این دانش‌آموزان در فردایی نه چندان دور به کار و فعالیت می‌پردازند، طبیعی

است که نحوه گذراندن اوقات فراغت این قشر نسبت به دیگر افراد جامعه حساسیت و اهمیتی مضاعف پیدا می‌کند. در عین حال که کارکرد اوقات فراغت در وجوه تفریح و سرگرمی اموری انکارناپذیر هستند، عنایت به کارکردهای دیگر آن که باعث رشد و شکوفایی فردی نیز می‌شود حایز اهمیت است. البته باید در نظر داشت که این کارکرد مورد انتظار اوقات فراغت است و گذران اوقات فراغت نباید به گونه‌ای باشد که خلاف چنین انتظاری رخ نماید.

در نهایت می‌توان گفت که هر چقدر مسئله اوقات فراغت نوجوانان و جوانان در ارتباط با حیطه‌های کاهش مشکلات، پیشگیری از مشکلات، آماده‌سازی برای زندگی و مشارکت اجتماعی در نظر گرفته شود، بهتر می‌توان اوقات فراغت را به‌مثابه حقی که باید از آن مراقبت شود، تلقی کرد نه اینکه تنها آن را سپری کرد. در این خصوص، برنامه‌ریزی‌های اثربخش‌تر برای استفاده بهینه از اوقات فراغت به منظور غنی‌سازی فعالیت‌های ورزشی، ارتباط با دوستان و همسالان و فعالیت‌های مذهبی برای دانش‌آموزان مدارس استعداد درخشان توصیه می‌شود. همچنین اختصاص اوقات بیشتر برای بودن در کنار خانواده و استفاده اثربخش از محصولات فرهنگی برای گروه دانش‌آموزان مدارس عادی پیشنهاد می‌شود.

مسئله اوقات فراغت نوجوانان مهم است و در ذیل همکاری و همفکری گروه‌های مختلف تأثیرگذار نظیر والدین، سیاست‌گذاران، عموم مردم و بخش‌های دولتی و خصوصی جامعه باید به شکلی مطلوب برنامه‌ریزی و به‌کار گرفته شود. بنابراین، اوقات فراغت، فرصتی است که می‌تواند به شیوه‌های مختلف در جهت پشیمانی رشد و ارتقای کیفیت زندگی نوجوانان و جوانان، خانواده‌هایشان و اجتماع‌شان به کار گرفته شود.

منابع

- آلمال، فرنگیس (۱۳۹۰). "سیمای هویت اجتماعی جوانان ایرانی". فصلنامه مطالعات ملی، سال دوازدهم، شماره ۳: ۱۲۱-۱۴۸.
- ابراهیمی، قربانعلی و عباس بهنوئی گدنه (۱۳۸۸). "بررسی جامعه‌شناختی رابطه اوقات فراغت با هویت شخصی در بین جوانان بابلسر". فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال پنجم، شماره ۱۴: ۱۲۷-۱۴۸.
- اصغری، ساساندخت (۱۳۸۵). بررسی نحوه گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان دختر منطقه ۱۴ تهران و تأثیر آن بر موفقیت تحصیلی ایشان. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی. دانشگاه آزاد واحد تهران شمال.
- احمدی، احمد (۱۳۸۲). روان‌شناسی نوجوانان و جوانان. اصفهان: مشعل.
- بوردیو، پیر (۱۳۹۰). تمایز: نقد اجتماعی، قضاوت‌های ذوقی. ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر ثالث.
- بشیر، حسن و محمدصادق افراسیابی (۱۳۹۱). "شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و سبک زندگی جوانان: مطالعه موردی بزرگ‌ترین جامعه مجازی ایرانیان". فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره ۵، شماره ۱: ۳۱-۶۰.
- پهلوان، منوچهر و سیده فاطمه برزیگر (۱۳۹۰). "بررسی گرایش به نحوه گذران اوقات فراغت در بین دختران مقطع متوسطه شهرستان آمل"، مجله جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال ۲، شماره ۳: ۵۳-۶۶.

- خواجه نوری، بیژن و علی اصغر مقدس، (۱۳۸۷). "بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر میزان گذران اوقات فراغت"، پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی، شماره ۱۲: ۱۳۱-۱۵۴.
- رضایی صوفی، مرتضی (۱۳۸۵). "بررسی وضعیت گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان رشت و رابطه آن با سطح امکانات فرهنگی و ورزشی"، فصلنامه پیک نور (علوم انسانی)، سال ۴، شماره ۳: ۹۸-۱۰۵.
- سازمان ملی جوانان (۱۳۸۴). سیمای جهانی گذران اوقات فراغت جوانان. دفتر مطالعات و تحقیقات معاونت مطالعات و برنامه‌ریزی.
- سازمان ملی جوانان (۱۳۸۳). طرح ساماندهی گذران اوقات فراغت در برنامه چهارم توسعه. قابل دسترس در:
- www.faraghat.org/Portal/File/ShowFile.aspx?ID=4ca86ec4-e73b
- سازمان ملی جوانان (۱۳۸۱). بررسی وضعیت اوقات فراغت جوان، تهران: اهل قلم.
- کرباسی، منیژه (۱۳۸۳). مسائل نوجوانان و جوانان، تهران: دانشگاه پیام نور.
- کیان، مریم (۱۳۹۳). "چالش‌های آموزش مجازی: روایت آنچه در دانشگاه مجازی آموخته نمی‌شود". مجله دانشگاهی یادگیری الکترونیکی. ۵ (۳): ۱۱-۲۱.
- موسوی، سیدموسی (۱۳۹۰). مشارکت شهروندان و برنامه‌های اوقات فراغت. تهران: جامعه و فرهنگ.

- موموندی، افسر (۱۳۸۰). بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان شهر ورامین، تهران، طرح پژوهشی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نادری، عزت اله و مریم سیف نراقی (۱۳۹۰). روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی (با تاکید بر علوم تربیتی)، تهران: نشر ارسباران.
- نجفی سولاری، حسن (۱۳۸۹). "مدل حمایت از شبکه‌های اجتماعی تدوین می‌شود". روزنامه ایران. ۴۵۷۲، ۳۶.
- وحید، فریدون؛ حبیب اله کریمیان و محمد کویایی (۱۳۹۱). "تأثیر وسایل ارتباط جمعی بر همبستگی ملی جوانان و دلبستگی آنها به هویت ایرانی". مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ۴، شماره ۴: ۱۲۳-۱۳۲.
- هندری، لئو. بی و همکاران (۱۳۸۳). اوقات فراغت و سبک‌های زندگی جوانان. ترجمه: مرتضی ملانظرو فرامرز ککولی دزفولی. تهران: نسل سوم.

- Clark, R.M. (1988). *Critical Factors in Why Disadvantaged Children Succeed or Fail in School*. New York, Academy for Educational Development. Available at: http://books.google.com/books?id=Xnc8u_xsYFsC&pg=PA229&lpg=PA229&dq=Clark,+R.M.
- Dumazedier, J., Pronovost, G., Attias-Donfut, C. & Samuel, N. (1993). *Leisure and Modernity: Blends in Honor*. (French Edition), France: L'Harmattan. Available at: www.abebooks.com.

- Eccles, J. & Barber, B. (1999). "Student council, volunteering, basketball, or marching band: What kind of extracurricular involvement matters?" *Journal of Adolescent Research*, Vol. 14 (10): 647-669.
- Farr, W. (2008). *Effects of Video Modeling on Leisure Time Activities for Learners with Severe Special Needs*. Arizona state university. 94 pages, AAT 3302384.
- Godbey, G. (1989). "Anti-Leisure and Public Recreation Policy". In F. Coalter (ed.), *Freedom and Constraint*. London: Routledge.
- Hilberman, J. (2009). *Young people are social networking in droves*. Available at: <http://iipdigital.usembassy.gov/st>
- Larson, R. (2002). "Globalization, societal change, and new technologies: what they mean for the future of Adolescence". *Journal of Research on Adolescence*, Vol. 12 (1): 1-30.
- Larson, R. (2000). "Toward a psychology of positive youth development". *American Psychologist*, Vol. 55: 170-183.
- Larson, R. & Verma, S. (1999). "How Children and Adolescents Spend Time Across the World: Work, Play, Developmental Opportunities". *Psychological Bulletin*, Vol 125 (6): 160-164.
- Sabourin, S. & Irwin, J. (2008). "Prevalence of Sufficient Physical Activity among Parents Attending a University". *Journal of American College Health*, Vol .6: 680-685.
- The Gallup Organization (2003). *Youth in New Europe*. Available at: http://ec.europa.eu/public_opinion/archives/cceb/2003/2003.1_youth_analytical_report_en.pdf
- Tolman, J. et al. (2001). "Youth Acts, Community Impacts: Stories of Youth Engagement with Real Results". *Community*

- and Youth Development Series*, Vol. 7. Published with the Support of the Ford Foundation.
- United Nations Report (2014). United Nations Report on, *Global Situation of Youth Shows Changing Trends*. Available at: <http://www.un.org/events/youth98/backinfo/yreport.htm>
 - United Nations Report (2003). World Youth Report. Available at: www.un.org/esa/socdev/unyin/documents/worldyouthreport.pdf.





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی